

آينه

وخت امروز

انقلاب اسلامی؛ بدون تاریخ انقضا

● **سعيد ملکی:** تجربيات تاريخي به محملی براي صfbندی آرآ و اندیشه‌های جریان‌های حاضر در صحنه سیاسی کشور پس از انقلاب اسلامی ۵۷ تبدیل شد که نمود آن را می‌توان در تقابل ایده بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی، حضرت امام‌خمينی(ره)، مبني بر استمرار انقلاب با ایده طرفداران پايان انقلابي‌گری و حرکت به سمت سازش با واپس‌گرايان و قدرت‌های استعمارگر نظير آمریکا مشاهده کرد؛ تقابلی که با گذشت سال‌ها واضمحلال تفکرات موسوم به مـلـی– مذهبي و جرياناتي نظير نهضت آزادی در مقاطع ديگر تاريخي سر برآورده و خود را به شکل تلاش براي عدول از انقلاب، ارزش‌ها و اهداف و آرمان‌های آن نشان داده است؛ البته اين تلاش‌ها و خواست‌ها گاه به خاطر اهداف فردی و گروهی و گاه به واسطه فریفتگی، سطحي‌نگری و ساده‌لوحی شماري در قالب‌های گوناگون سر برآورده تا به اصطلاح راه را بر ترميدوری بگشاید. اين در حالی است که در ايران «انقلاب» و «استمرار» در هم آميخته و نمونه‌ای منحصربه‌فرد از یک حادثه تاريخي به شکل روندی لايقف را به نمايش گذاشته است.

انتقاد

احزاب‌توان از بين بردن رکودسياسي را نادرند

عبدالله ناصري: جامعه ما اساسا جامعه سياست‌زده‌ای است. چون فرازونشيب‌ها و فرازوفرودهای زيادی در عمر کمتر از چهار دهه از انقلاب اسلامي را از سر می‌گذراند، حوادث غيرمتريقه و غيرمنتظره سياسي را در کشور شاهد هستيم. زلزله و سيل زياد در عرصه سياسي مشاهده می‌شود؛ بنابراین احزاب به راحتی نمی‌توانند در یک استمرار زمانی هويت خود را شکل دهند. در سال ۸۴ به روی‌کارآمدن فردی مثل آقای احمدی‌نژاد رای داده شد، درحالی‌که انتظار آن وجود نداشت. در سال ۹۲ نیز انتظار نمی‌رفت کليت حاکميت به روی‌کارآمدن آقای روحاني در قوه مجريه رضایت دهد. در سال ۷۶ نیز انتظار روی‌کارآمدن رئيس دولت اصلاحات نبود. جامعه ما ريشه‌ها و قابليت‌های غيرقابل پيش‌بنی دارد، ما شاهد فرازوفرودهای زيادی در عرصه سياست کشور بوده‌ايم؛ بنابراین وقتی حزبی از قدرت سياسي کنار می‌رود، به‌طور چشمگیری فعاليت‌های خود را کنار می‌گذارد. به همین دليل ما اگر بخواهيم بیک الگو در همین جامعه در حال توسعه مثال بزنيم، سازمان مجاهدين انقلاب اسلامي است. اين حزب در مقاطعي که حضور داشت در عرصه سياسي کار تشکيلاتی و مدرن حزبی را دنبال می‌کرد و به‌همین‌دليل بیشترین تاثیرگذاری را در عرصه سياسي جامعه داشت؛ اما احزاب امروز نمی‌توانند رکود سياسي را از بين ببرند، چراکه کارکردشان را از دست داده‌اند.

کیمیا

دولت از کجا ضربه می‌خورد؟

محمد ايمانی: اصلا لازم نيست کسی حقوق خوانده يا ديپلمات باشد تا بفهمد «هم‌زمانی» تعهدات در کنار «توازن» و برگشت‌پذیری و ضمانت اجرا و تضمين قرارداد، یک اصل کاملا ديپهي، حتی در معامله ميان دو فرد عوام و بی‌سواد است. با اين وصف، چه اتفاقی می‌افتد که تيم ایرانی می‌پذیرد تعهدات چندلایه و متعدد خود را قبل از روز اجرای توافق انجام دهد و پس از آن تازه در «روز اجرا» برسد تا مثلا حريف، تعليق بخشی از تحريم‌ها را به اجرا بگذارد؛ آن هم با اين استخوان لای زخم که تحريم‌ها– برخلاف تعهدات برگشت‌ناپذير ما– به سرعت چکاندن یک ماشه، برگشت‌پذير باشد و با کمترین شکايت و بهانه‌ای، الزاما بايد برای ادامه تعليق تحريم‌ها، نظر مساعد هر هشت عضو کميسيون مشترک جلب شود؟! آيا به ايسن معنا – و به انواع قرائن – توافق موسوم به برجام، عبرت‌آموز نيست؟ و اگر انواعی از اين ايرادها و اسيب‌های بزرگ در جای جای آن– مانند یک ميدان مین– تعبيه شده، نبايد نخبگان و صاحب‌نظران ما نگران ابهام‌ها و ضعف‌های ساختاری و خسارت‌های بزرگ محتمل در مسیر اجرای برجام و متعات آن باشند؟

کیمیا

از خميني جوان چه می‌خوانند

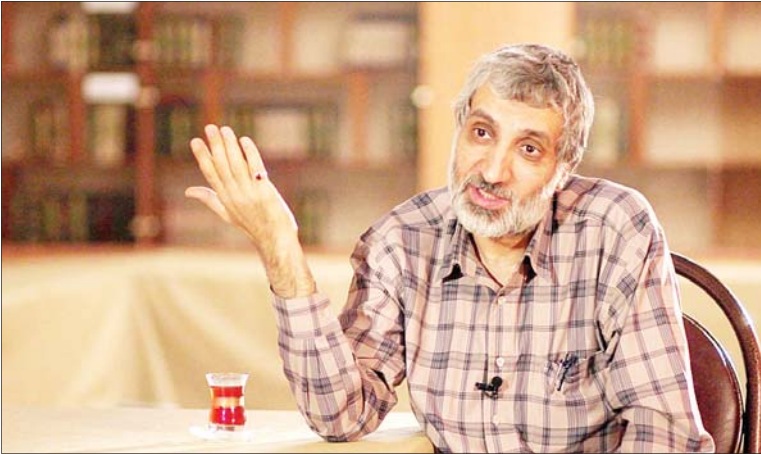
عبدالله کنجی: ارائه تفسیری متفاوت از نظام به اسم یک «خميني» مدنظر است. آنان حجت‌الاسلام خميني را به‌عنوان نماد می‌خواهند. درصددند سخن خویش را که دچار «بحران معنا» شده است از زبان یک «خميني» بيان و هرگونه مخالفت با او را انحراف از خط انقلاب معرفی کنند. آنان به دنبال تايول امام به دست یک خميني هستند تا زايچان اين تاويل به فرياد منجر نشود و آرمان‌های امام را در بهترين حالت در حد «توسعه»، «رفاه»، «تعامل» و «جمهوريت غربي» تقليل دهند و به پسوند اسلامي اکتفا شود. اکنون که پس از ۱۸ سال تلاش نتوانستند با معجزه هرمونتيک –به قول اکبر کنجی– امام را یک جمهوري خواه معرفي کنند، درصدد هستند خميني جوان را سير کينه‌های خود عليه نظام و امام کنند و وی را تله فريبی براي ايجاد فتنه و انحراف جديد قرار دهند و با توليد امام جديدي که از آرايشگاه غرب بيرون می‌آيد، نظام جمهوری اسلامی را عرفی و آن را با استانداردهای حيات غربي هم‌ساز کنند.

سياست

ابراهيم فياض:

مخالفان غرب در ایران دوبله غرب‌زده‌اند

فردیدی‌ها و هایدگری‌ها کل غرب را یکپارچه سیاه می‌بینند / ادبیات مارکسیستی که آمد، غرب ستیزی شروع شد



مهسا جزینی

ماجراي ما و غرب نه ماجرای تازه‌ای است و نه عجیب؛ فراتر از یک نزاع اندیشه‌ای – گفتمانی سال‌هاست محل منازعات جریان‌های سیاسی است. درباره ریشه‌های این نگاه در جریان اصولگرایی با ابراهيم فياض گفت‌وگو کرده‌ايم. ابراهيم فياض، پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی و اسناددار گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران است که دکتراي خود را در رشته فرهنگ و ارتباطات از دانشگاه امام صادق(ع) گرفته است. او را اگر چه بیشتر می‌توان نزدیک به جریان اصولگرایی دانست، اما نگاهی به غرب و غرب‌شناسی چندان با قرائت‌های مرسوم اصولگرایان قرابت ندارد. فياض معتقد است که مخالفان غرب در ایران دوبله غرب زده‌اند؛ چون نتوانسته‌اند غرب را بشناسند به ضدیت با آن برمی‌خیزند، از جلال آل احمد گرفته تا امروز. مناظره اخير او با محمد قوچانی در خبرگزاری مهر درباره پروتستانيسم اسلامي بازخوردهای زیادی داشت. حالا او با ما از غرب‌ستیزی گفته است.

به‌سادگی از دست نداده. اگر تمدن غرب مسلط است از دانشگاه، رسانه و خانه همه‌جا هست، چطور می‌شود از این طلسم خلاص شد، وقتی شناخت تاریخی جغرافیایی ما کامل نیست. چند کتاب کلاسیک غربی تا به حال در ایران ترجمه کردیم؟ نداریم خیلی کم. چند تا کانت ترجمه شده چند تا دکارت ترجمه شده. دکارت ۲۰ جلد کتاب دارد. اصل غرب اینهاست. آيا در ایران همه اينها بازخوانی شده است اگر ترجمه نشده؟ پس هيچ‌کس غرب را نشناخته است. افراق نیست. من می‌گويم وقتی ما غرب را نشناخته‌ايم چطور می‌توانيم از جارجوش خارج شويم. چطور بدانيم چگونه نقل يا نقد يا مخالفت کنيم، ما حتی چارچوب نقد را هم از خود غرب گرفته‌ايم. مثل مکتب فرانکفورت مثل مکتب بیرمنگام. همه دانش‌آموختگان مطالعات فرهنگی ایران بیرمنگامي يا فرانکوفرتی‌اند.

آيا نقد شما به روشنفکری، عرفی يا آکادمیک است يا حتی بخشی از اصلاح‌طلبان، اما از منظر جريان اصولگرایی چه‌طور؟ چه نقدي به نگاه آنها نسبت به غرب دارید؟
روشنفکری که می‌خواهد غرب‌شناسی کند آن را نشناخته پس اصولگرایی که ناظر يا متضاد يا نقطه تقابل روشنفکری است و می‌خواهد غرب را نقد کند که به حد اولی آن را نشناخته است. اگر دانشگاه ما در شناخت غرب پیشرفت کرد حوزه هم پیشرفت می‌کند. من ديدم طلبه‌ها مستقيم می‌روند مؤسسه فوق تخصص ماکس پلانک آلمان تحصيل می‌کنند آلمان‌ها چون می‌گویند اين مطالب اسلامی را مستقيم بلدند آنها را می‌پذیرند. جهالت ما به غرب باعث‌شده که عاشقانه يا مفرضانه با آن برخورد کنیم درحالی‌که اگر عقلانی نگاه می‌کردیم وضعيت‌مان اين نبود. اين وضعيت چون به سراب می‌ماند ما را به صورتکی از غرب رسانده است. علم و دانش بايد گفت‌مان ساز بعد قدرت‌ساز و سياست‌ساز شود. اما وقتی جهالت داریم چه سياست و قدرتی بايد بسازيم. يعني چه اصلاح‌طلبي چه اصولگرایی ما غرب‌شناسی درستی نداشته‌اند. دوره اصلاح‌طلبان در پژوهشده ارشاد بحث غرب‌شناسی مطرح بود من ديدم فقط فلسفه‌پويان را بررسی می‌کردند. وقتی اصولگرایان در دوران احمدی‌نژاد روی کار آمدند می‌فکند بحث يهودی که پشت دنبای غرب است را پيدا کنید. دنبال اين بودند که در تاريخ يا الان يهوديت چه کرده است؟ آدم خنده‌اش می‌گیرد.

آيا اگرچه ايران هيچ وقت استعمارمستقيم نشده است، اما تجربه استعمار را در اشکال ديگر داشته است. اين تجربه در نگاه ما به غرب چه اندازه مؤثر بوده‌اند؟
بله استبداد و استعمار هر دو باعث رکود است. دوره پهلوی که دوره استبداد است غرب‌شناسی صوری داشتيم. شاه اگر می‌خواست کل غرب را بياورد، استبدادش نمی‌ماند. غرب هم می‌گويد ايران یک پايله بسته صدورنفتی باشد کافی است. الان عربستان دموکراسی می‌خواهد؟ نه. غرب از عربستان فقط نفتش را می‌خواهد. يعني استبداد و استعمار یک‌سويه‌اند. اين نافهمی فقط نسبت به غرب هم نيست. آيا ما می‌دانيم ژاپن يا کره‌جنوبي يا آسه‌ان الان کجاست و چه می‌کند؟ از آمريکا لاتين و بازار اقتصادی‌اش مگر چه خبری داریم؟ يا آفريقاشناس چقدر داریم؟ آفريقاشناسی‌ای که ما را هدايت کند به سرمايه‌گذاری در آفريقا. ولی در دانشگاه تهران دانشجو کره جنوبي زياد داشتيم. ژاپنی‌ها سال‌ها در ايران مطالعه کردند، من خبر دارم

آيا شما فساد را به شناختن غرب ربط می‌دهيد؟

نه به رانت‌خواری و واردات دولت رانتي است. اينکه در ايران عقلانيت ايجاد نمی‌شود چون توليدی نيست.

یک بحث قديمی در ماجرای غرب‌ستیزی هست که ما می‌گويم سخت‌افزار را می‌گیريم و می‌خواهيم نرم‌افزار خودمان را روی آن سوار کنیم. ولی خیلی از مواقع امکان‌پذير نيست. درحالی‌که آن تکنولوژی به قول شما عقلانيت و فرهنگ خاص خودش را دارد. مثلا در بحث «مال‌سازی» (فروشگاه‌های بزرگ چندمنظوره)، گفته می‌شود اين مربوط به فرهنگ آمريکايی است. وقتی سازه سخت‌افزاری آن می‌آيد ناخودآگاه به تبش فرهنگش هم می‌آيد به‌ويژه با گسترش ارتباطات ... ولی ما سعی می‌کنيم با فرهنگ همراه با آن چون با فرهنگ ما ناهم‌ساز است، مقابله کنیم و ايسن مردم را دچار نوعی سردردگمی و تناقض می‌کند.

چون هميشه صورت را می‌گیريم، در ايران مدرنيتی از مدرنيسم زودتر شروع شد. ساختار تکنولوژی وارد می‌شود اما فرهنگش وارد نمی‌شود. الان فضای مجازی را وارد کرديم و رایانه آمده است اما فرهنگش را نداريم. برای همین سواستفاده می‌شود و آبروی هم را می‌بريم؟ همه‌اش تاخر فرهنگی داریم که مدرنيتی وارد می‌شود اما مدرنيسم نمی‌آيد. دانشگاه ما فرماليستی است. اگر توانيم با هزینه ۱۰ يارو، تکنولوژی را می‌گیريم، اما هرگز اين علم تبديل به صنعت نمی‌شود وقتی کالا با ۱۰ برابر قيمت غربی توليد می‌کنيم، کارایی ندارد. علوم پایه در ايران هرگز ارزشی ندارد درحالی‌که مقدمه دانشکده فنی است

ولی ما در ايران علوم پایه اصلا لازم نداريم.

آيا به‌نظر می‌رسد نگاه اصلاح‌طلبي به غرب کمی واقعی‌تر است تا اصولگرایی، يعنيی قائل به اين تفکيک نرم‌افزاری و سخت‌افزاری نيست. بخش نرم‌افزاری را درست‌تر رد نمی‌کند و درست قبول هم نمی‌کند.

بله. آنکه غرب‌ستیزی می‌کند، در جایگاه دورتری قرار دارد نسبت به کسی که به آن عاشقانه نگاه می‌کند. بانداهای فردیدی که درجریان اصولگرایی هستند، کل غرب را فاسد می‌بينند و می‌گویند هيچ راهی برای اصلاحش نيست. کلا يا بايد پذيرفت يا رد کرد. منتفردن از غرب، اين‌قدر که غرب را یک کليت می‌دانند. فردیدی‌ها و هایدگری‌ها کل غرب را یکپارچه سیاه می‌بينند.

آيا بحثی هم شما قبلا درباره جلال يا هم‌عصرانش در نقد غرب مطرح کرديد با ايسن عنوان که ازقضا منتقدان و مخالفان غرب چون نمی‌توانستند غرب را بشناسند، شروع به ضديت با آن کردند.

مخالفان غرب در ايران دوبله غرب‌زده‌اند. نمی‌دانند عاشق غرب هستند ولی برای همین فحش می‌دهند. همین آقاياانی که اين‌طور مخالف غرب هستند، خیلی جالب است تا دستان به غرب می‌رسد، اين‌قدر عاشق می‌شوند، مصداق ضرب‌المثل قديمی دستش به گوشت نمی‌رسد است. تا به غرب نرفته‌اند به‌شدت مخالف غرب هستند، اما همین اصولگرایان يا ديگر ضدغرب‌تا تا پايشان با هم نمی‌رسد، عاشق آن می‌شوند و نودننجه‌شان را هم آنجا می‌فرستند. حتی زايچان بچه را هم آنجا می‌اندازند. اگر یک مفهوم گشتالت آلمانی. گلوبال متعایش اين است که مرزهای تفکری مفهوم را بفهميم ولی به‌نسبت‌های درونی‌اش کاری نداشته باشيم. اين معنای

به‌شدت غربي می‌شوند.
مارکسيستی يا چپ است؟
ما زمان انقلاب مدل اسلامی ضد غرب داشتيم؛ چپ‌گرايان اسلامی بودند که ضد غرب شدند. در چپ مانوئيست غرب‌ستیزی کمتر بود اما در توده‌ای‌ها خیلی بیشتر بود. برخی چپ‌ها هم به آمريکا لاتين نگاه می‌کردند که نوع پيشرفت‌گرایی در آن بود اما خیلی نمی‌خواستند به غرب نزديک شوند.

آيا به‌نظر می‌رسد ادبيات غرب‌ستیزی در ايران از دهه ۴۰ به‌ويژه نوشته‌های جلال فراتر رفته است. يعني اين جريان حتی توانسته ادبيات جديدی در اين زمينه توليد کند. چرا و نقش جلال در اين زمينه چقدر است؟

جلال کتاب غربزدگی خود را بعد از آن سرخوردگی‌ها و روی‌آوردنش به مردم‌شناسی در سال ۴۱ نوشت و جالب است خیلی از کتاب‌های جلال بعد از انقلاب منتشر می‌شود. همان‌طور که گفتيم، روايت محافظه‌کار ما ب غرب مشکل ندارد برای همین آيت‌الله بروجردی در غرب مسجد می‌زند؛ مسجدی که مرکز تعامل است با دکتر بهشتی. بهشتی رفت که با غرب تعامل کند. بحث بهشتی بحث تعامل عقلاانه با غرب بوده است. آيت‌الله گلبايگانی هم همین بوده است. می‌گویند پيدا می‌کند و تا ارتباط با نخست‌وزير انگليس هم می‌رسد؛ يعني روايت «ماهاو» با غرب مشکل ندارد. اما ادبيات مارکسيستی که جلو آمد «ماهاو» غرب‌ستیزی شروع شد. حزب توده و مفاهيمی که بعد از انقلاب ايجاد کرد، مثل امپرياليسم جهانی ... ما را دچار نگاهی تقليلی‌گرا به غرب کرد؛ درحالی‌که در نگاه امام ما محبت استکبارستیزی را داریم که اين استکبار فقط در غرب خلاصه نمی‌شود، می‌تواند صدام يا حتی سعودی هم باشد.

آينه ديروز

۹سال پيش در چين روزی

جمهوری اسلامی

- در خطبه‌های نماز عيد فطر، تاکيد رهبر انقلاب بر پرهيز از تخريب در انتخابات
- آيت‌الله خامنه‌ای: مسئولان بايد همه تلاش خود را برای برگرزای سالم، کامل و بی‌عيب‌ونقص و بدون حاشيه به‌کار گیرند
- دومين آبشار ۱۶۴تایی ساترئيفیوژ ايران راه‌اندازی شد
- ششمين سرشماری کشور از امروز آغاز می‌شود
- بوش: خروج زودهنگام ارتش آمريکا از عراق، اسرائيل را به خطر می‌اندازد
- کره‌شمالی به خاطر موفقيت آزمایش هسته‌ای جشن گرفت
- وزير علوم: افزایش شهریه دانشگاه‌ها ممنوع است
- ۲۴۸هزار نفر داوطلب انتخابات شوراها شدند
- آزمون کتبی داوطلبان نامزدی انتخابات مجلس خبرگان برگزار شد

کیمیا

- با حضور رئيس‌جمهور، واگذاری سهام عدالت امروز آغاز می‌شود در ايسن مرحله حدود ۲۲هزارمليارد سهم به ۵.۴ ميليون نفر واگذار می‌شود
- وزير جهاد کشاورزی: توليد گندم بيش از نياز کشور است
- در اعتراض به دعوت از سرکرده منافقين به مجلس سنای بلژیک: سفيران بلژیک و فلانده به وزارت خارجه احضار شدند
- لاريجانی در واکنش به تلاش غرب برای تصويب قطع‌نامه عليه ايران: در شرایط جديد از موضع جديد حرف خواهيم زد
- ديه سرشين بيمه شخص ثالث چهار برابر شد
- احمد خاتمی در نمازجمعه تهران: پیروزی در انتخابات را به تجربيت ديگران رقم نزنيد
- وزير کشور: مبای ما در انتخابات، قانون است
- با مخالفت مجلس، انحلال وزرات رفاه منتفی شد

انتقاد

- رهبر معظم انقلاب: تنها راه عزتمندی مسلمانان بازگشت به هويت خود است
- شماری از نمايندگان خواستار توضيح فوری رئيس‌جمهور درباره افزایش جمعيت شدند
- وزارت خارجه تعليق محدود غنی‌سازی را تکذيب کرد
- لاريجانی: نمی‌توانيم مذاکرات بی‌ثمر داشته باشيم

- احمدی‌نژاد: رئيس‌جمهوری آمريکا روزی نیم‌ساعت با مردم ايران حرف بزند
- سخنگوی دولت: عده‌ای از هرگونه تغيير و تحول در سازمان مديريت و برنامه‌ریزی نگران می‌شوند
- وزير کشور: تفکرات سياسي مسلط دنيا را به مبارزه دعوت کرده‌ايم

اعتماد

- روزنامه «روزگار» پس از پنج شماره توقيف شد
- احمد توکلی: حکومت‌های عادل و ظالم محتاج نخبگان هستند
- «جنبش مردمی اصلاحات» اعلام موجوديت کرد
- پوسيدگی خط لوله نفتی «ری – قرچک»، قاعده زیست‌محیطی تهران را تهديد می‌کند
- الهام، سخنگوی دولت: افزایش جمعيت ما را نگران نمی‌کند

ساعت

- رهبر انقلاب در نماز عيد فطر: انتخابات بدون تخريب، اهانت و اسراف
- احمدی‌نژاد: به‌طور ناشناس بازديد و با مردم گفت‌وگو می‌کنيم
- ديبرکل حزب مؤتلفه: انتخابات آينده، آزمون بزرگ همگرایی اصولگرايان است
- البرادعی، رئيس آژانس اتمی ايران: ايران از نظر قانونی حق غنی‌سازی اورانيوم را دارد
- وزير کشور: نتيجه انتخابات هرچه باشد، تسليم آن هستيم
- سيداحمد خاتمی در نمازجمعه تهران: ملت‌های آزاده برای قطع‌نامه‌های باندی شورای امنيت ارزش قائل نيستند

کیمیا

- رئيس‌جمهور در ديدار با رئيس سازمان مديريت و برنامه‌ریزی: فاصله ۱۰ساله سرشماری عمومي کشور زياد است؛ زیرا تحولات کشور سريع بوده و دولت آمادگی هر پنج سال یک‌بار را دارد تا برنامه‌های توسعه‌ای متناسب با شرایط روز و نيازها تدوين شود
- با طرح اتهامات جديد عليه ايران رقم خورد: جنجال جديد صهيونيست‌ها در پرونده آميا
- الهام: دولت در اصلاح و تحول اداری جدی است
- لاريجانی، دبیر شورای‌عالي امنيت ملی: تدروی‌های غرب ايران را در پيشبرد فناوری هسته‌ای مصمم‌تر می‌کند.